

سرود وطن را این بار هنرمندان می‌نویسند

خاک که لرزیده هنرمندان بر خاکستند

واکنش هنرمندان به حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران، همچنان با شدت و گسترده‌تری ادامه دارد؛ واکنشی که تنها به چند پست اینستاگرامی یا استوری‌های شبانه محدود نمی‌شود، بلکه به نوعی بازتاب وجدان جمعی یک ملت در آینه فرهنگ و هنر است. در روزهایی که خاک وطن هدف تعرض قرار گرفته و غرور ملی خدشه‌دار شده، بسیاری از مدیران فرهنگی و هنرمندان، با کنار گذاشتن ملاحظات معمول، موضعی روشن گرفته‌اند؛ موضعی که از دل تجربه زیسته آن‌ها به عنوان بخشی از این مردم برمی‌خیزد. نه از فشار یا تبلیغات رسمی بلکه می‌توان این گونه تعبیر کرد که تا خاک وطن لرزید، هنرمندان به یک‌باره برخاستند. در ادامه، مطالبی که پیش رویتان قرار دارد اهالی فرهنگ و هنر بار و بار نامه‌ها در میان گذاشته‌اند.

سحر امامی؛ شیرزنی در قاب خبر

این صدای ملت ایران است

سحر امامی، در آن لحظات آتش و دود، قهرمانانه صدای وطن شد.

صدای انفجار را شنید، اما نترسید؛ چون صدای او نه از آنتن، که از ریشه‌های عمیق این خاک برخاست. وقتی دشمن می‌خواست اراده مردم را بشکند، او با قدرت و عزمی آهنین، نه تنها برنامه را ادامه داد، بلکه جان تازه‌ای به امیدها دمید.

او در مقابل ظلم و تاریکی ایستاد؛ نمادی از ایرانی که با قلبی پر از ایمان، در برابر روزه‌های هار دشمن، مشت گره کرده‌اش را به آسمان بلند کرد.

این همان مکتب دلاوری پروری است، مکتبی که در آن صداها را نمی‌توان خاموش کرد و در آن هر شیرزنی، پرچمدار مقاومت است.

سحر امامی، تونه تنها مجری، که مظهر عزت و شجاعت این سرزمین هستی. نام تو در تاریخ این سرزمین، به یادگار خواهد ماند؛ نام تو، صدای زنده ایران، در قلب هر ایرانی است.

وقتی دشمن آتش به جان استودیوی شبکه خبر زد و خواست صدای حق را خاموش کند، زنی ایستاد که فقط مجری نبود؛ او پیام آور غیرت، ایمان و شجاعت بود. سحر امامی، مجری شبکه خبر، فقط نماد تا بر نامه‌ای را ادامه دهد؛

او ایستاد تا حقیقت را از دل آوار عبور دهد و به مردمش برساند. او نماینده نسلی بود که در قاب تلویزیون نایستاد تا دیده شود، صدای انفجار را شنید، اما صدای ایمانش بلندتر بود. در لحظه‌ای که دشمن می‌خواست تصویر را بدزد و روح جمعی را بشکند، سحر امامی، صدای روح جمعی شد. صدای زنی ایرانی، بی‌هراس، مصمم، سربلند.

او فقط مجری نبود، روای بود. روایتی زنده از شجاعت، از ریشه، از غیرتی زنانه که در لحظه خطر، نه فرو می‌ریزد، که قدم می‌کشد.



صدای حقیقت خاموش نمی‌شود

صداوسیما مورد حمله قرار گرفت

حسن عابدینی تصریح کرد: شلیک به خبرنگاران، شلیک تیر به حقیقت و افرادی است که حقیقت را بیان می‌کنند. جامعه جهانی و رسانه‌های چگونه می‌خواهد این وضعیت را توجیه کند؟! آنچه اتفاق می‌افتد یک جنایت جنگی است. دقایقی بعد سحر امامی، مجری شبکه خبر به استودیو بازگشت و خودش ماجرا را روایت کرد. او در ابتدا تأکید کرد که همه چیز به حالت عادی بازگشته و برنامه‌ها در حال پخش است. امامی گفت، صدای حقیقت خاموش نمی‌شود. با کمک خدای بزرگ و متعال، تدابیر مقام معظم رهبری و مسوولان ارشد، ما کارمان را ادامه می‌دهیم. مجری شبکه خبر خاطر نشان کرد: در این حمله ساختمان خبر مورد هدف قرار نگرفت آزادی بیان و صدای زنان و کودکان مورد هدف قرار گرفت.

حوالی ساعت ۱۸ و ۳۵ دقیقه روز دوشنبه ۲۶ خرداد ماه – در حالی که مجری شبکه خبر، در حال خواندن اخبار بود، این ساختمان مورد حمله نیروهای متجاوز رژیم صهیونیستی قرار گرفت. روابط عمومی صداوسیما اعلام کرده است: در صورت بروز هر گونه اختلال در دریافت سیگنال هر یک از شبکه‌های استانی یا ملی صداوسیما پخش برنامه‌ها را از طریق تلویزیون دنبال کنید. در ادامه این حمله که برای لحظاتی به قطع تصاویر زنده استودیویی منجر شد، حسن عابدینی – معاون سیاسی صداوسیما – به روی آنتن شبکه خبر آمد و خطاب به مردم تأکید کرد که فرزندان شما در صداوسیما به رسالت خود ادامه خواهند داد.

دکتر ابراهیم داروغه‌زاده، مدرس دانشگاه:

در ستایش پاسداران وطن

ایران است. هر گلوله‌ای که شلیک می‌کنند، شعری است علیه ظلمت؛ هر قدمی که بر خاک میهن برمی‌دارند، سندی است بر مالکیت ابدی این سرزمین. پاسداران وطن از هر قوم و زبان و باوری، زیر پرچم یک ایران واحد و سربلند گرد آمده‌اند. یاد و خاطره دوران باشکوه دفاع مقدس را زنده کرده‌اند و جان‌هایشان را گره زده‌اند به رشته‌ی استقلال و تمامیت ارضی میهن و فدکاری‌شان درس‌نامه‌ای عملی برای نسل‌های آینده است. به عنوان یک معلم دانشگاه، با قلبی لبریز از غرور و قدردانی می‌گویم: سپاس، ای سربازان غیور و ای پاسداران مرزهای ایران سرفراز. فدکاری‌های شما، والا تر از هر درسی است که در کلاس‌ها تدریس می‌شود. رشادت‌های شما، حماسه‌ای زنده است که بر تارک تاریخ این ملت کهن خواهد درخشید. خون پاک شما، آبیاری کننده‌ی ریشه‌های درخت تنومند ایران و انسانیت است.

ما، مردم ایران، کنار شما ایستاده‌ایم و دل‌هایمان با شماست. دعاهايمان هم‌رمز نبردهای پتان است و آگاهیم که شما قهرمانان سپر بلای ایرانید. پایان این نبرد، هر گاه که باشد، با سربلندی ایران و رسوایی دشمنانش رقم خواهد خورد. چرا که خاک ایران، همیشه در آغوش فرزندان رشیدش امن و پایدار مانده است. پاینده ایران، جاودان یاد شهیدان، پیروز و سربلند رزمندگان جان‌پر کف ایران.»

دکتر ابراهیم داروغه‌زاده، مدرس دانشگاه و مدیر اسبق سینمایی، در یادداشتی اختصاصی برای روزنامه صبا، از شجاعت و فداکاری سربازان ایران سخن گفته و آنان را قهرمانانی جاودانه در تاریخ این سرزمین معرفی کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، روایت صمیمانه‌ای است از دل کسی که با تمام وجود، سربازان وطن را ستایش می‌کند و امید به پیروزی نهایی ایران را زنده نگه می‌دارد. «سینما، هنر ثبت لحظه‌های ماندگار است. لحظه‌هایی از عشق، فداکاری، تراژدی و قهرمانانی که بر پرده فقرهای جاودان می‌شوند. امروز اما، دوربین تاریخ، بزرگ‌ترین و حماسی‌ترین صحنه‌ها را نه در استودیوها، که در جای جای میهن عزیزمان ثبت می‌کند. صحنه‌هایی که قهرمانانش نه بازیگران، که سربازان دلیر ایران هستند؛ مردان و زنانی که چون کوه در برابر توفان خروشان تجاوز دشمن قدار، ترور بست و کودک کش، جانانه ایستاده‌اند.

در این روزهای سرنوشت‌ساز، زمانی که دشمن پلید، خواب و برانی این خاک پاک را در سر می‌پروراند، آن‌چه مانند خورشیدی بر فراز قله‌های دماوند می‌درخشد، فروغ شجاعت و ایثار فرزندان رشید ملت ایران است. سربازانی که در تاریک‌ترین شب‌های تهاجم، حضور استوارشان چون نخستین پرتوهای خورشید، نویدبخش صبح پیروزی و بقای



سرمقاله

#یک_ملت_یک_وطن
هنرمندان وطن
سربازان بی‌سلاح مقاومت

امیرافشار فتوحی
دبیر تحریریه روزنامه صبا

در روزگاری که صدای بمب‌ها بر صدای حقیقت غلبه می‌کند و تصویر ویرانی، جانشین تصویر انسانیت می‌شود، ایران بار دیگر ایستاده است؛ این بار نه فقط برای دفاع از مرزهای جغرافیایی خود، که برای دفاع از حقیقت، کرامت و امید. در برابر حملات و حشویه و تجاوز کارانه رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران با صلابت و قدرت، بر حقانیت دفاع مشروع خود تأکید دارد. اما چیزی فراتر از قدرت نظامی، ایران را به قهرمان خاورمیانه بدل کرده است؛ و آن، روح زنده فرهنگی و هنری این ملت است.

در میانه جنگ، هنر نه تنها خاموش نمی‌شود، بلکه شعله‌ورتر می‌شود. هنر در زمان جنگ، فریاد بی‌صدای مظلومان است، مرهم دل زخمی است و شاید مهم‌تر از همه، گواهی است بر این حقیقت ساده اما ژرف: هنوز زیبایی وجود دارد. هنوز امید نفس می‌کشد. هنوز انسانیت زنده است.

ایران با هنرمندانش نفس می‌کشد. مردمانی که در جبهه فرهنگ و هنر، هم‌سنگر رزمندگان‌اند. کسانی که با تصویر، با واژه، با نت‌های موسیقی و قاب‌های سینما، نشان می‌دهند که جنگ، هر چند ویرانی می‌کند، اما نمی‌تواند روح یک ملت را نابود کند. هنرمند ایرانی، در خط مقدم این مقاومت معنوی، رسالتی دوگانه دارد: افشای حقیقت و زنده نگه داشتن امید.

در جهانی که حقیقت تحریف می‌شود و ظلم با زر و زور تطهیر، نقش هنرمند چیزی کمتر از یک سرباز نیست. او تصویر واقعی درد را نشان می‌دهد، اما در همان قاب تاریک، روزه‌ای از نور نیز می‌گشاید. او مرگ را می‌بیند، اما از زندگی می‌گوید. او رنج را به تصویر می‌کشد، اما با واژه‌گانش به ما یادآوری می‌کند که هنوز زیبایی هست. هنوز عشقی هست که بر خاکستر بنشیند و دوباره گل دهد.

امروز، بیش از هر زمان دیگر، هنر متعهد ایرانی مورد نیاز است. فیلمسازان، شاعران، نویسندگان، نقاشان، موسیقی‌دانان و دیگر هنرمندان این سرزمین، در حال خلق آثاری هستند که نه تنها مقاومت را ثبت می‌کند، بلکه آن را معنا می‌بخشد. آثارشان گواهی است بر اینکه ما تنها زنده نیستیم، بلکه زندگی می‌کنیم. زنده بودن یک واکنش بیولوژیکی است؛ اما زندگی کردن، در میانه جنگ و تاریکی، یک کنش ارادی و شجاعانه است.

از قاب فیلمی که چهره یک کودک در میان آوار را ثبت می‌کند، تا شعری که در قلب خون و دود، از صلح می‌گوید؛ این‌ها سندهایی هستند برای آیندگان که ایران تنها در برابر حمله نایستاد، بلکه در برابر خاموشی زیبایی و فراموشی انسانیت نیز مقاومت کرد.

هنر، آن گونه که در ایران بالیده است، نه تجمل است و نه تفتن. در این سرزمین، هنر، سلاحی است از جنس معنا. هنرمند، مورخی است که تاریخ را با قلبش می‌نویسد، و شاعری است که در میان انفجارها، از شکفتن گل‌ها می‌سراید. و این، دقیقاً همان چیزی است که متجاوز نمی‌تواند بفهمد: آن‌ها شاید بتوانند ساختمانی را ویران کنند، اما نمی‌توانند شعری را بمباران کنند. نمی‌توانند ملودی‌ای را که در دل مردم طنین انداخته، خاموش کنند. آری، ایران قهرمان خاورمیانه است؛ اما نه فقط به خاطر موشک‌هایش، بلکه به خاطر فرهنگ و هنرش. به خاطر مردمانی که در زمانه تیر و ترکش، هنوز از ساز و واژه‌ها استفاده می‌کنند تا جهان را به یاد بیاورند که زندگی ادامه دارد. که عشق هنوز هست. که زیبایی، پنهان شده شاید، اما نمرده است.

و این رسالتی است که هنرمندان ایرانی بر دوش گرفته‌اند: آن‌ها تنها از گذشته نمی‌گویند، بلکه آینده را می‌سازند. آینده‌ای که در آن، کودکی در کلاس نقاشی به جای موشک، آسمان آبی می‌کشد. آینده‌ای که در آن، جهان از زبان هنر، زبان صلح را دوباره خواهد آموخت.

در پایان، بگذارید چنین بگویم: ایران ایستاده است، با سلاح و با شعرش؛ با دلاوری و با داستان‌نویسانش و جهان باید بداند، تا وقتی هنرمند ایرانی می‌نویسد، می‌سراید، می‌سازد و می‌نوازد، نه فقط ایران زنده است، بلکه انسانیت هم زنده است.